

تأثیر سبکهای یادگیری مستقل از زمینه و وابسته به زمینه بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور*

محمد رضا سرمدی**/ حسین زارع***

مقدمه

یکی از موضوعهایی که همراه با مفاهیم فراشناختی، تأثیر بسیار بر یادگیری دارد، سبک یادگیری است. سبک یادگیری با توانمندیهای یادگیری یکسان نیست؛ بلکه شیوه ترجیحی هر فرد در فرآیند یادگیری است. این اصطلاح را، نخستین بار، هرب تلان^۱ در سال ۱۹۵۴ به کار برد (به نقل از شمس اسفندآباد و امامی پور، ۱۳۸۲). از سبک یادگیری تعاریف زیادی شده است:

راههای شخصی که در آن افراد اطلاعات را در جریان یادگیری مفاهیم و اصول پردازش می کنند (سیف، ۱۳۸۰: ۱۷۱).

* این مقاله بخشی از طرح پژوهشی بوده است که با عنوان «بررسی تطبیقی مهارتهای فراشناختی و سبک یادگیری دانشجویان قوی و ضعیف دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۸۳»، به همت نگارندگان اجرا شده است.

** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، سازمان مرکزی.

*** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، مرکز خوانسار.

1. Style of Learning

2. Herb Thelan

چکیده: از نیمه دوم قرن بیستم به بعد دخالت متغیرهای شناختی در یادگیری تصریح گردید. یکی از این متغیرها، سبک یادگیری است. سبک یادگیری روشی است که هر فرد در یادگیری اتخاذ می کند. سبکهای یادگیری متعددند یکی از آنها سبک یادگیری مستقل از زمینه و وابسته به زمینه است. در این پژوهش، برای بررسی تأثیر سبک یادگیری فوق بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور آزمون اشکال گروهی نهفته روی ۴۵۰ نفر از دانشجویان اجرا شد. نتایج به دست آمده بیانگر رد فرضیه مورد پژوهش بوده است. به این معنا که سبک یادگیری مستقل از زمینه و وابسته به زمینه بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأثیر معناداری ندارد. نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهشگرانی همچون هوهن (1995)، دیاز (1999) و فان (1999) همخوانی ندارد، لیکن با نتایج پژوهشهایی همچون شمس اسفندآباد و امامی پور (۱۳۸۲)، اوبرایان و همکاران (1998) و بلگ (1985) همسوست. رد فرضیه مورد بررسی بیانگر پیچیدگی موضوع و نیاز به بررسی بیشتر و دقیقتر آن است.

کلیدواژه: یادگیری مستقل از زمینه، یادگیری وابسته به زمینه، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان دانشگاه پیام نور، آموزش از راه دور.

یادگیری گری گورک^۶، ۵. سبکهای دان - دان^۷. البته توضیح همه این سبکها در اینجا مقدور نیست. علاقه‌مندان می‌توانند به منابع مختلف، از جمله سریواستاوا (1997) مراجعه کنند.

از آنجایی که در این پژوهش، از مجموعه سبکهای فوق، سبک مستقل از زمینه و وابسته به زمینه استفاده شده است، به توضیح مختصر آن اشاره می‌شود. سبک مستقل از زمینه و وابسته به زمینه، اولین بار ویت‌کین آن را مطرح کرد، گویای این است که قضاوت‌های شخصی بعضی یادگیرندگان تحت تأثیر موضوع یادگیری قرار می‌گیرند؛ درحالی که برای بعضی اشخاص دیگر تأثیر زمینه بسیار اندک است یا اصلاً وجود ندارد (Witkin and etal, 1971: 1127-1147). افرادی که از لحاظ سبک یادگیری وابسته به زمینه‌اند به راحتی نمی‌توانند محرکها را از زمینه جدا کنند. لذا ادراکهای آنان تحت تأثیر تغییرات مربوط به زمینه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، افراد مستقل از زمینه قادرند محرکها را از زمینه جدا کنند؛ از این‌رو، ادراکهای آنان از تغییرات زمینه تأثیر چندانی نمی‌پذیرد. به افراد دارای سبک وابسته به زمینه کلی‌نگر، و به افراد دارای سبک مستقل از زمینه تحلیلی‌نگر نیز می‌گویند. افراد گروه اول مشکل را در ترکیب کلی می‌بینند، لذا جداسازی شکل از زمینه برای آنان دشوار است؛ افراد گروه دوم شکل و زمینه را جدا از هم می‌بینند و لذا، به راحتی می‌توانند آنها را از هم جدا کنند (سیف، ۱۳۸۰).

پیشینه پژوهشی موضوع

در زمینه تأثیر سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی پژوهشهای زیادی صورت گرفته است. هوهن (1995) گفته است یادگیرندگانی که از نظر سبکهای یادگیری

هوهن (1995:97) گفته است که اصطلاح سبک یادگیری به باورها، رجحانها و رفتارهایی که افراد به کار می‌برند و به یادگیری آنان در یک موقعیت معین کمک می‌کنند، گفته می‌شود. پیرس (2000) سبک یادگیری را به‌عنوان روشی که دانش‌آموز یا دانشجو در یادگیری مطالب درسی خود بر روشهای دیگر ترجیح می‌دهد، تعریف کرده است.

رابرت استرنبرگ^۳ شیوه‌های متفاوت افراد در پردازش اطلاعات را سبکهای تفکر نام‌گذاری کرده است. از نظر وی، سبک تفکر روش رجحان‌یافته تفکر است. سبک تفکر یک توانایی نیست، بلکه به چگونگی استفاده فرد از تواناییهایش اشاره دارد. توانایی به خوب از عهده کاری برآمدن اشاره دارد؛ درحالی که سبک به اینکه فرد مایل است چگونه کار را انجام دهد، اشاره دارد. دو فرد با تواناییهای یکسان، ممکن است سبکهای متفاوتی داشته باشند. سبکهای گوناگون نه خوب هستند و نه بد؛ بلکه متفاوت هستند (امامی‌پور و سیف، ۱۳۸۲).

چنانکه در تعاریف یادشده دیده می‌شود، اکثر اندیشمندان در تعریف سبک یادگیری از واژه‌های مختلفی استفاده می‌کنند؛ اما به‌رغم نظریه‌ها و مدل‌های متفاوت در زمینه سبکهای یادگیری، این توافق وجود دارد که افراد، به شیوه‌های متفاوتی، اطلاعات و تجارب را ادراک، سازمان‌بندی و تحلیل و پردازش می‌کنند؛ یعنی افراد نگاه یکسان به جهان ندارند. به همین دلیل، هر فرد در مقایسه با دیگری، علایق و تمایلات متفاوتی در چگونگی یادگیری دارد.

امروزه به تعداد زیادی از سبکهای یادگیری اشاره می‌شود که مهمترین آنها عبارت‌اند از: ۱. سبکهای یادگیری مستقل از زمینه و وابسته به زمینه؛ ۲. سبکهای تکانشی و تأملی؛ ۳. سبکهای همگرا، واگرا، جذب‌کننده و انطباق‌یابنده (سبکهای یادگیری کُلب^۴)؛ ۴. سبکهای یادگیری گراشا - ریچمن^۵، سبکهای

3. Robert Strenberg

4. Kolb

6. Gregorc

5. Grasha-Riechman

7. Dunn-Dunn

رابطه مثبت دارد. در حالی که پیشرفت تحصیلی دانشجویان زن با تفکر تحلیلی و خلاق رابطه منفی دارد (امامی پور و سیف، ۱۳۸۲).

در باب سبکهای یادگیری و تحصیلات در داخل کشور هم پژوهشهایی شده است؛ از جمله رضایی (۱۳۷۸) در پژوهشی نشان داد که دانش‌آموزان گروه ریاضی به سبک مستقل از زمینه و دانش‌آموزان گروه علوم انسانی به سبک وابسته به زمینه گرایش دارند. همچنین، در این پژوهش، معلوم شد که دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های ریاضی از دانش‌آموزان رشته ریاضی - فیزیک دوره دبیرستان بیشتر مستقل از زمینه‌اند.

در باب سبکهای یادگیری و آموزش عالی پژوهشهای زیادی شده است؛ اما، باتوجه به موضوع مورد پژوهش، شایسته است که بیش از همه به آموزش از راه دور^۱ و سبکهای یادگیری پرداخته شود. البته در این مورد مطالعات کمی صورت گرفته است. والتا و همکاران (2002)، در پژوهشی، به بررسی نوع نگرش دانشجویان و نوع سبک یادگیری آنها و پیشرفت تحصیلی در نظام آموزش از راه دور پرداختند. نتایج این پژوهش متعدد بوده است؛ اما مهمترین نتیجه آن این بوده که سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأثیر دارد.

دیاز (1999) در پژوهشی به بررسی تطبیقی سبکهای یادگیری دو گروه از دانشجویانی که در دو کلاس آموزش از راه دور و آموزش به شیوه سنتی ثبت‌نام کرده‌اند، پرداخته است. آزمون مورد استفاده وی مقیاس سبکهای یادگیری گراشا - ریچمن بوده است. از نتایج این پژوهش بود: دانشجویانی که در کلاسهای آموزش از راه دور ثبت‌نام کرده بودند، در

مستقل از زمینه یا وابسته به زمینه‌اند، در فعالیتهای تحصیلی و انجام تکالیف درسی با هم فرق دارند. یادگیرندگان مستقل از زمینه ترجیح می‌دهند تنها کار کنند. آنها قادرند کوششهای خود را در رابطه با انجام پروژه‌ها و حل مسائل سازمان دهند و دوست دارند هدفهایشان را خودشان تعیین کنند. از سوی دیگر، یادگیرندگان وابسته به زمینه ترجیح می‌دهند که در گروه کار کنند، با معلم تعامل بیشتری داشته باشند و به تکالیف سازمان‌یافته و تقویت بیرونی بیشتر نیازمندند.

به نظر می‌رسد دانشجویانی که به سبک باز و به روش غیرحضوری تحصیل می‌کنند، در صورت داشتن سبک یادگیری مستقل از زمینه، موفقتر خواهند بود؛ زیرا این دانشجویان باید، به صورت خودآموز، در زمینه یادگیری و انجام پروژه‌ها فعالیت داشته باشند. رولینس و گسندر در پژوهشی دریافتند که یادگیرندگان، در حل مسائل ساده، که تنها یک جواب قابل قبول دارد، با سبک یادگیری تأملی موفقتر از یادگیرندگان تکانشی بودند؛ اما در مسائل پیچیده، شامل ابعاد مختلف و چندین جواب محتمل، یادگیرندگان تکانشی، که به سرعت درستترین راه‌حلها را ملاحظه می‌کنند، از یادگیرندگان تأملی افراطی، که راه‌حلها را منظم، یکی بعد از دیگری، واری می‌کنند و مقدار زیادی وقت صرف راه‌حل‌های غیرمحتمل می‌کنند، موفقتر بودند (Rollins and Gesner, 1977: 281-287).

یافته‌های گریگورنکو^۸ و استرنبرگ در باب رابطه بین سبکهای یادگیری و عملکرد تحصیلی در شش مقیاس عملکرد تحصیلی (تحلیلی، خلاق، عملی، تکالیف خانگی، امتحان و پروژه) نشان می‌دهد که پنج سبک تفکر با عملکرد تحصیلی رابطه داشتند. زانگ^۹ و استرنبرگ در بررسی رابطه بین سبکهای تفکر، تواناییها و پیشرفت تحصیلی بین دانشجویان هنگام کنگی نشان دادند که سبکهای تفکر بیشتر از تواناییها، پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی هستند و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مرد، با تفکر تحلیلی

8. Grigorenco

9. Zang

10. Distance Education

دانشجویان قوی و ضعیف دانشگاه پیام نور تأثیر دارد.

روش پژوهش

جامعه بررسی، همه دانشجویان دانشگاه پیام نور مقطع کارشناسی بودند، که حداقل دو نیمسال تحصیلی را پشت سر گذاشتند. روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بوده است. حجم نهایی نمونه‌ای که به ابزار پژوهش پاسخ دادند، ۴۵۰ نفر بودند. آزمون برای اندازه‌گیری سبک یادگیری مستقل از زمینه و وابسته به زمینه، آزمون گروهی اشکال نهفته^{۱۱} (GEFT) بوده است. این آزمون از سه بخش تشکیل شده است که بخش اول ۷ شکل دارد و بخش دوم و سوم، هر کدام، ۹ تصویر دارند که، در مجموع، ۲۵ تصویر می‌شود. در هر یک از تصاویر از آزمودنی خواسته می‌شود که یک شکل هندسی ساده را، که در درون یک طرح پیچیده نهفته است، پیدا کند. بخش اول برای تمرین است و نمره‌ای برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. بخش دوم و سوم، که قسمت اصلی آزمون را تشکیل می‌دهد، ۱۸ تصویر دارد. شیوه کار به این صورت است که آزمودنی باید، در هر طرح پیچیده، یکی از شکل‌های فرم نمونه را، که در درون آن نهفته است، پیدا کرده و پررنگ کند. توانایی آزمودنی در پیدا کردن اشکال نهفته در درون طرح پیچیده میزان وابسته به زمینه یا مستقل از زمینه بودن او را مشخص می‌کند. شیوه نمره‌گذاری به این صورت است که، به ازای هر پاسخ صحیح، یعنی پیدا کردن شکل در طرح پیچیده، در بخش‌های دوم و سوم، یک نمره تعلق می‌گیرد. بنابراین، دامنه نمرات از صفر تا ۱۸ است. نمره صفر بیانگر کاملاً وابسته به زمینه بودن و نمره ۱۸ بیانگر کاملاً مستقل از زمینه بودن می‌باشد. مدت پاسخگویی برای هر بخش ۵ دقیقه است.

باید یادآور شد که، ملاک تفکیک سبکهای مستقل از

مقایسه با دانشجویان با روش آموزش سنتی، به‌طور معناداری، مستقلمتر از زمینه بودند. درحالی که دانشجویان، با روش آموزش سنتی، سبک یادگیری وابسته به زمینه داشتند.

این نتایج در مطالعات گی (1990)، جیمز و گاردنر (1995) هم به دست آمده است. با توجه به نتایج پژوهشهایی از این قبیل است که مطالعه سبکهای یادگیری در نظام آموزش از راه دور اهمیت زیادی می‌یابد. بر همین اساس دیاز (1999) می‌گوید که در نظام آموزش از راه دور عملکرد تحصیلی، به شدت، در تأثیر سبکهای یادگیری دانشجویان است؛ یعنی در این نظام، دانشجویانی موفقترند که سبک یادگیری آنان با نظام آموزش از راه دور (یادگیری مستقل) همخوانی داشته باشد.

لیو و گین تر (1999) در یک بررسی جامع، به بحث سبکهای شناختی و آموزش از راه دور پرداختند. آنها در مقاله خودشان ابتدا به مرور سبکهای یادگیری و ابعاد اصلی آن پرداختند؛ آنگاه، ضمن معرفی ویژگیهای مهم نظام آموزش از راه دور، به کاربرد سبکهای یادگیری در آموزش از راه دور اشاره کردند. در پایان چنین نتیجه‌گیری کردند که: ۱. سبک یادگیری در تمایزسازی فردی عامل مهمی است؛ ۲. در آموزش از راه دور انطباق آموزش با سبکهای یادگیری، در مقایسه با آموزشهای سنتی، به مراتب، مهمتر است.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر دستیابی به عملکرد پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور با توجه به نوع سبک یادگیری آنها بوده است. به عبارت دیگر، هدف این پژوهش بررسی تأثیر نوع سبکهای یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. این هدف در قالب فرضیه زیر بررسی شد:

نوع سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی

لوک به نقل از ویت‌کین و همکاران (1971) پایایی این آزمون را با روش بازآزمایی برای مردان و زنان ۰/۸۲ گزارش کردند. ضریب روایی ملاکی نیز برای مردان ۰/۸۲ و برای زنان ۰/۶۳ به دست آمد (Luck, 1998: 137-148). در داخل کشور هم برخی از محققان از این آزمون استفاده کردند. از جمله محمد آزاد عبدالله‌پور که در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود (۱۳۸۲) از این آزمون استفاده کرده و ضریب پایایی را برای آزمودنیهای ایرانی (N=۷۵) ۰/۸۷ به دست آورده است.

زمینه و وابسته به زمینه میانگین نمرات صفر تا ۱۸ (یعنی ۹) نبوده است، بلکه به این صورت بوده است که ابتدا گروههای قوی و ضعیف تحصیلی شناسایی شد، بعد به استخراج نمرات سبک یادگیری گروههای فوق پرداخته شد. نوع سبک، با توجه به وضعیت هر گروه نسبت به گروه دیگر تعریف شده است. هر گروهی که نمرات آنها در سبک یادگیری به صفر نزدیکتر باشد وابسته به زمینه و گروهی که نمرات آنها به ۱۸ نزدیکتر باشد مستقل از زمینه تلقی گردید.

جدول ۱. توزیع فراوانی داده‌ها با توجه به متغیر پیشرفت تحصیلی

میانگین سبک یادگیری	رشته‌های تحصیلی		جنسیت		میانگین سن	دیگر شاخصها نمرات پیشرفت تحصیلی
	علوم انسانی	علوم پایه	تعداد آقایان	تعداد خانمها		
۱۳	۵	۱	۲	۴	۲۳	۱۰
۱۲/۵	۹	۵	۶	۸	۲۲/۲	۱۱
۱۱/۸	۲۳	۱۳	۲۰	۱۶	۲۰/۶	۱۲
۱۲/۳۵	۵۱	۳۰	۲۵	۵۶	۲۱	۱۳
۱۳/۵	۵۲	۳۵	۴۰	۴۷	۲۳/۴	۱۴
۱۲/۲۱	۵۶	۲۵	۳۰	۵۱	۲۴/۲	۱۵
۱۱/۸۹	۴۸	۲۱	۲۵	۴۴	۲۱/۸	۱۶
۱۳/۸۶	۲۸	۱۴	۱۰	۳۲	۲۲	۱۷
۱۳/۳۳	۱۴	۹	۸	۱۵	۲۱/۳	۱۸
۱۸	۵	۲	۳	۴	۱۹	۱۹
۱۷	۴	۱	۱	۳	۱۹	۲۰
	۲۹۵	۱۵۵	۱۷۰	۲۸۰		جمع
	۴۵۰		۴۵۰			

جدول شماره ۱، توزیع فراوانی داده‌ها با توجه به متغیر پیشرفت تحصیلی آمده است: در ستون اول، جدول شماره معدل گرد شده دانشجویان به ترتیب از ۱۰ تا ۲۰ آمده است. در

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آمار استنباطی، از طریق آزمون t ، به تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در

در فرضیه پژوهش حاضر، به تأثیر سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان قوی و ضعیف اشاره شد. ملاک تفکیک گروه قوی و ضعیف از کل افراد نمونه براساس ۲۷٪ نمرات بالا و پایین است. به عبارت دیگر، ۲۷٪ از بیشترین نمرات مربوط به پیشرفت تحصیلی، به عنوان دانشجویان قوی، و ۲۷٪ کمترین نمرات مربوط به پیشرفت تحصیلی، به عنوان دانشجویان ضعیف تلقی می‌شود. باتوجه به داده‌های جدول شماره ۱، منظور از گروه ضعیف دانشجویانی هستند که معدل پیشرفت تحصیلی آنها از نمره ۱۰ تا ۱۳ است. (شامل خود عدد ۱۳) است. منظور از دانشجویان قوی، افرادی هستند که معدل تحصیلی آنها بالای ۱۶ است. در جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات سبک یادگیری دانشجویان قوی و ضعیف آمده است.

ستون دوم، میانگین سنی دانشجویان آمده است. بیشترین مقدار متعلق به دانشجویانی است که معدل ۱۵ دارند و کمترین آن در گروه با معدل ۱۹ و ۲۰ به چشم می‌خورد. ستون سوم به جنسیت دانشجویان مربوط است. از مجموع ۴۵۰ نفر از افراد نمونه، ۲۸۰ نفر زن و ۱۷۰ نفر مرد بوده‌اند. ستون بعدی به فراوانی رشته‌های تحصیلی مربوط می‌شود. رشته تحصیلی به علوم پایه و علوم انسانی تفکیک شده است. تعداد دانشجویانی که در رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی تحصیل می‌کنند، به ترتیب، ۱۵۵ و ۲۹۵ نفر بوده‌اند. در ستون آخر، وضعیت عددی دانشجویان در متغیر سبک یادگیری آمده است. بزرگترین و کوچکترین عدد در ستون آخر به ترتیب ۱۸ و ۱۱/۸ است. اعداد بزرگتر بیانگر سبک یادگیری مستقل از زمینه و اعداد کوچکتر بیانگر سبک یادگیری وابسته به زمینه است.

جدول ۲. شاخصهای توصیفی دو گروه قوی و ضعیف

شاخصهای توصیفی		گروهها
میانگین نمرات سبک یادگیری	انحراف معیار	
۱۲/۴۱	۱/۹	گروه ضعیف
۱۴/۸۱	۵/۶	گروه قوی

بحث و بررسی نتایج

فرضیه تأثیر سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأیید نگردید. پژوهش دیگر محققین از جمله، هوهن (1995) نشان داد که فراگیرانی که در سبکهای یادگیری مستقل از زمینه یا وابسته به زمینه‌اند، در فعالیتهای تحصیلی و انجام تکالیف درسی با هم فرق دارند. یادگیرندگان مستقل از زمینه ترجیح می‌دهند تنها کار کنند. آنها قادرند کوششهای خود را، در انجام پروژه‌ها و حل مسائل، سازمان

برای بررسی استنباط آماری از آزمون t استفاده شد، که برابر با ۰/۱ بوده است. مقدار t مشاهده شده، با توجه به t بحرانی با (df = ۱۲۰) و سطح ۰/۰۵ مقایسه گردید. t بحرانی ۱/۹۸ است. قدرمطلق t مشاهده شده (۰/۱) از t بحرانی (۱/۹۸) کمتر است، لذا فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد. به عبارت دیگر، فرضیه تأثیر سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان قوی و ضعیف تأیید نمی‌شود و تفاوت بین دو میانگین حاصل عوامل شانس و تصادف می‌باشد.

در اینکه چرا در این پژوهش تأثیر سبکهای یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور تأیید نگردید، دلایل احتمالی زیادی وجود دارد. نخستین دلیل می‌تواند عوامل فرهنگی و اجتماعی باشد. هر جامعه‌ای، با فلسفهٔ تعلیم و تربیت خاصی، به پرورش شهروندان خود می‌پردازد. جوامع، با تأثیرپذیری از باورها، ارزشها و تاریخ گذشتهٔ خودشان به تعلیم و تربیت افراد می‌پردازند. بر اساس تنوع این عوامل است که ویژگیهای روانشناختی خاصی رشد می‌یابد. چنانکه در مفهوم منبع کنترل^{۱۲} نیز اینگونه بوده است؛ به این معنا که برخی از جوامع مروج منبع کنترل درونی و برخی دیگر مروج منبع کنترل بیرونی هستند (Liu & Ginther:1999). بنابراین، تأثیرپذیری سبکهای یادگیری از عوامل فرهنگی جامعه بسیار زیاد است. شاید به دلیل تفاوت‌های فرهنگی چنین نتیجه‌ای حاصل شد. دلیل بعدی به توزیع جنسیتی دانشجویان برمی‌گردد. پژوهشهای نایت و الفنباین و مارتین نشان داد که بین زنان و مردان، از لحاظ سبک یادگیری، تفاوت وجود دارد. حال اینکه چرا نتایجی همچون نتیجهٔ دانشگاه باز هنگ‌کنگ در دانشگاه پیام‌نور تکرار نگردید، شاید به دلیل توزیع جنسیتی متفاوت این دو دانشگاه باشد. از دلایل احتمالی دیگر، می‌توان به رشته‌های تحصیلی فراگیران و توزیع سنی آنها اشاره کرد، که به بررسی دقیقتر نیاز دارد (Knight and etal, 1997:401-414).

نکتهٔ مهم دیگر در تبیین نتیجهٔ به دست آمده واژهٔ آموزش از راه دور است. هرچند در این مقاله به پژوهشهایی اشاره شد که نظام آموزش از راه دور دارند و در عین حال، تأثیر سبکهای یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان آنها معنادار بوده است. نکته ظریف این است که دانشگاه پیام‌نور، با اینکه می‌کوشد تا به نظام آموزش از راه دور وفادار باشد،

دهند. دوست دارند هدفهایشان را خودشان تعیین کنند. از سوی دیگر، یادگیرندگان وابسته به زمینه ترجیح می‌دهند که در گروه کار کنند، با معلم تعامل بیشتری داشته باشند و به تکالیف سازمان‌یافته و تقویت بیرونی بیشتر نیازمندند.

پژوهش فان و همکاران (1999) نشان داد که دانشجویانی که در دانشگاه باز هنگ‌کنگ مشغول به تحصیل بودند، بیشتر دارای سبک یادگیری مستقل از زمینه بودند و اصولاً، این دسته از فراگیران پیشرفت تحصیلی بیشتری داشتند.

نتیجهٔ به دست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش محققین فوق و همچنین والتا و همکاران (2002)، دیاز (1999)، گی (1990) و جیمز و گاردنر (1995) همخوانی ندارد؛ اما با نتایج این پژوهشگران همسو است.

امامی‌پور و سیف (۱۳۸۲) به بررسی تحولی سبکهای تفکر در دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطهٔ آن با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی پرداخته‌اند. یکی از فرضیه‌های مورد بررسی آنها بررسی رابطه بین سبکهای تفکر و پیشرفت تحصیلی بوده است، که تأیید نگردید.

شمس اسفندآباد و امامی‌پور (۱۳۸۲) نیز در پژوهشی به نبود رابطهٔ معنادار بین سبکهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی رسیده‌اند. اوپرایان و همکاران (1998) در بررسی رابطهٔ بین سبکهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی نشان دادند که از بین چهار بعد شخصیتی مایرز - بریگز فقط بین بعد حسی - شهودی با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود داشت؛ به طوری که دانشجویان با سبک شهودی، در مقایسه با دانشجویان با سبک حسی، پیشرفت تحصیلی بالاتری داشتند. نتیجهٔ این پژوهش با پژوهش محققان دیگر، مانند بلگ هم، همخوانی دارد. وی در پژوهش خود نشان داد که بین سبکهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد (Blagg, 1985: 89-98).

پژوهش دیده شد، برخی از محققین چنین کردند.

منابع

آزاد عبدالله پور، محمد (۱۳۸۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران؛

امامی پور سوزان، سیف، علی اکبر (۱۳۸۲)، «بررسی تحولی سبکهای تفکر در دانش آموزان و دانشجویان و رابطه آنها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی»، فصلنامه نوآوری آموزشی، شماره ۳، مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی؛

رضایی، علی اکبر (۱۳۷۸)، بررسی رابطه بین سبکهای یادگیری وابسته به زمینه و مستقل از زمینه در دانشجویان علوم انسانی و علوم ریاضی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران؛

سیف، علی اکبر (۱۳۸۰)، روانشناسی پرورشی، چاپ پنجم، آگاه، تهران؛
شمس اسفندآباد، حسن، امامی پور، سوزان (۱۳۸۲)، «مطالعه سبکهای یادگیری در دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه دوره راهنمایی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی و جنسیت»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۵، مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی؛

Blagg, J. (1985), "Cognitive styles and learning styles as predictors of academic success in a graduate applied health education program", *Journal of Applied health*, 14, (1);

Diaz, D. P. & Cartnal, R. B. (1999), "Comparing student learning styles in and online distance learning class and an equivalent on-Campus calss", *Journal of asynchronous learning networks*, Vol.5, Issue2;

Fan, W. K. et al. (1999), *Locus of control and metacognition in open and distance learning: A comparative study of low and high achievers*, the Open University of Hong Kong.

Gee, D. G (1990), *the impact of student's preferred learning style variables in a distance course: A case study*, Protales: Eastern New Mexico University. (ERIC document reproduction service No ED 358836);

13. Costa

14. Mc Care

۱۵. برای اطلاع بیشتر، نک: هیلگارد، زمینه روانشناسی، فصل ۱۲.

به دلیل موانع و محدودیتهای مختلف، که نگرش سنتی دانشجویان و اعضای هیئت علمی از مهمترین آنهاست، این شیوه آموزشی، کامل، پیاده نشده است و در بسیاری از موارد همانند دانشگاههای سنتی عمل می شود. بنابراین، یکی از دلایل دیگر در تبیین نتیجه به دست آمده می تواند عدم اجرای دقیق شیوه آموزش از راه دور باشد.

رهنمودها

در پژوهش حاضر فرضیه مورد بررسی تأیید نشد. عدم تأیید آن بیانگر پیچیده بودن موضوع و بررسی بیشتر آن است؛ پس شایسته است پژوهشگران به پیشنهادهای زیر توجه کنند:

۱. از آنجایی که عوامل اجتماعی و شخصیتی با نوع سبک یادگیری ارتباط دارد پیشنهاد می شود سبک یادگیری در ارتباط با صفات شخصیتی، از جمله پنج صفت بزرگ کاستا^{۱۳} و مک کر^{۱۴} بررسی گردد.^{۱۵}
۲. در بررسی ادبیات پژوهش پژوهشگرانی که به مطالعه سبک یادگیری در دانشگاههای با آموزش از راه دور پرداختند از ابزار مورد استفاده در این پژوهش کمتر استفاده شد. از این رو، پیشنهاد می شود که از ابزارهای دیگر (که در همین مقاله هم نام برده شد) استفاده شود.

۳. در ادبیات پژوهش مربوط به موضوع حاضر تصریح تأثیر عوامل اجتماعی، برخی از متغیرها همچون جنسیت، سن، رشته تحصیلی و ... هم بررسی گردید. در پژوهش حاضر این قبیل متغیرها، به طور مستقیم، بررسی نشد. لذا پیشنهاد می شود متغیرهای یاد شده، به خصوص جنسیت، را در بررسیهای خود بگنجانند.

۴. مطالعه تطبیقی دانشجویان دانشگاه سنتی با دانشجویان دانشگاه پیام نور، و مقایسه سبکهای یادگیری آنها بسیار مفید خواهد بود. چنانکه در این

<http://www.cret.umich.edu/occ10.htm>;

Peirce, W. (2000), Understanding student difficulties in reasoning, Paper presented at princee community college;

Rollins, H. & Gesner, L. (1977), "Role of cognitive style in a cognitive task: A case favoring the impulsive approach to problem solving", *Journal of educational psychology*, 69;

Srivastava, P. (1997), *Cognitive style in educational perspectives*. New Delhi (INDIA): Annual;

Valenta, A. & et al. (2002), Identifying student attitudes and learning style in distance education;

Witkin, H. A. & Donald, R. & Goodenough, D. R. & Philip, K. & Oltman (1971), Psychological differentiation: Current status. *Journal of personality social psychology*, Vol. 37 (7). ■

Hohan, R. L. (1995), *Classroom learning and teaching*, USA: Longman;

James, D. & Gardner, A. (1995), *the foundations of distance education*, Dover, New Hampshire: Croom Helm;

Knight, K. H. & Elfenbin, M. H. & Martin, M. B. (1997), *A psychometric reexamination of Kolbs experimental learning style construct: A separation of lever, style, and process*: Educational and psychological Measurement, 56 (5);

Liu, Y. & Ginther, D. (1999), "Cognitive styles and distance education", *Online journal of distance learning administration*, vol.2, No.3;

Luck, S. C. (1998), "the relationship between cognitive style and academic achievement", *British Journal of Educational technology*, Vol. 29 (2);

O'brien, S. & Montgomery, S. M. & Groat. L. N. (1998), Student learning styles and their implications for teaching,